

دکتر حسن قاسم‌زاده

که بسیاری از آن‌ها به مرحله کشورهای تازه صنعتی شده ارتقا یافته‌اند، برای پیشرفت پیموده‌اند و مأخذ زیادی وجود دارد که مسیری را که این کشورها طی کرده‌اند مستند و راه را برای حرکت دیرآغازگران روشن کرده است. و اما درباره نقش خلاقیت در توسعه، بدیهی است که برای رقابت در بازار - به‌ویژه بازارهای منطقه‌ای و جهانی که امروز برای همه کشورها طی کرده‌اند مستند و راه را برای حرکت دیر آغازگران روشن کرده‌است. و اما درباره نقش خلاقیت در توسعه، بدیهی است که برای رقابت در بازار - به‌ویژه بازارهای منطقه‌ای و جهانی که امروز برای همه کشورها ضروری بلکه حیاتی است - لازم است محصولات و خدمات بدیع و منحصر به فردی تولید شود و این مستلزم خلاقیت، نوآوری، و کارآفرینی است.

نقش این سه عامل مهم - که برای پیشبرد توسعه ضروری‌اند - بدین ترتیب می‌توان خلاصه کرد: خلاقیت یک توانایی فردی است که می‌تواند به یک اختراع یا ایده‌ای بکر توسط

از آن‌جا که مزیت نسبی کشورهای جهان سوم در دو زمینه مواد خام - به دلیل پیشرفت فناوری مواد - و کارگر ارزان - به دلیل خودکارسدگی (اتوماسیون) ارزش خود را از دست داده‌اند، توسعه فناوری و به تبع آن تولید محصولات و خدمات ابداعی و نوآورانه که دارای محتوای فناوری هرچه پیشرفته‌تر برای رقابت در بازارهای داخلی، منطقه‌ای و جهانی باشند، به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. برای پیشبرد توسعه، پیش از هر چیز پیش نیازهایی بدین شرح لازم است:

۱- تدوین برنامه توسعه فناوری همزمان با تدوین برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی و اجرای هر دو برنامه به‌طور موازی، سازمان‌هاست.

۲- عزم راسخ ملی برای توسعه بر پایه فناوری به‌گونه‌ای که در بند ۱ آمده است.

اگرچه وارد شدن در جزئیات این مقوله خارج از بحث ماست، ولی این راهی است که کشورهای در حال توسعه جهان

● موانع فردی خلاقیت عبارتند از: موانع تاریخی، زیستی (بیولوژیک)، فیزیک، روانی و اجتماعی.

فرد خلاق منجر شود. نوآوری فرایند پیچیده‌ای است که این اختراع یا ایده را به محصول یا خدمتی که قابل عرضه به بازار است تبدیل می‌کند. کارآفرینی ویژگی فردی است که با عزمی راسخ و با وجود موانع بسیار در رساندن یک محصول به بازار فرایند نوآوری را که لازمه این امر است، با موفقیت، هدایت می‌کند.

درخصوص خلاقیت، نوآوری، و کارآفرینی مأخذ زیادی وجود دارد و پژوهش و توسعه درباره جنبه‌های مختلف هر یک ادامه دارد که در این جا جهت اجتناب از اطاله کلام به شرح مختصر بالا اکتفا می‌شود. شایان ذکر است که یکی از مهم‌ترین عوامل پیشرفت همه جانبه جوامع تسهیل و ترغیب بروز خلاقیت‌های افراد آن است. در حقیقت به دلیل تغییرات پرشتاب و شگفت‌انگیز این عصر و کشف سریع علوم و فناوری‌های جدید و انباشت حجم عظیمی از اطلاعات، یادگیری و تفکر خلاق نه صرفاً یک نیاز یا حتی یک ضرورت بلکه امری حیاتی است.

با توجه به شرح مختصر نقش کارآفرینان در توسعه، سیاست‌گذاری برای ترویج کارآفرینی، به‌نحوی که افراد ترقی‌خواه جامعه را به سوی سازندگی، از طریق ایجاد بنگاه‌های اقتصادی و صنعتی سوق دهد امری ضروری است.

و اما درباره نوآوری، باید گفت که امروز نوآوری‌های فناورانه یک لازمه توسعه است و پیشرفت در این زمینه مستلزم کسب مهارت‌های مدیریتی در زمینه‌های توسعه فناوری، پژوهش و توسعه، و تجاری کردن نتایج پژوهش‌هاست.

لازم به ذکر است که اگرچه خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی هر سه برای توسعه ضروری‌اند ولی ترویج و گسترش هر سه وظیفه کل جامعه است نه یک سازمان یا حتی یک وزارتخانه به تنهایی است. از این رو واقع‌بینی اقتضا می‌کند که یک سازمان، یک کنفرانس، یک کتاب و...، صرفاً بر یکی از سه موضوع تأکید ورزد. از آن‌جا که کارآفرینی مستلزم نوع ویژه‌ای از خلاقیت

است و همچنین در تمامی مراحل نوآوری، از ایجاد ایده اولیه - برای مثال یک اختراع - تا تأمین مالی، بازاریابی و فروش، همه مستلزم خلاقیت است، لذا هدف قراردادن خلاقیت فردی امری واقع‌بینانه‌تر از وارد شدن در تمامی جزئیات نوآوری و کارآفرینی است.

راهکارهای توسعه خلاقیت

برای رسیدن به توسعه خلاقیت نخست هدف یا هدف‌های نهایی خلاقیت را مورد توجه قرار می‌دهیم. ایده‌آل آن برای رسیدن به این مهم باید برای رسیدن به این فهم که خلاقیت در تمام سطوح تحصیلی مدنظر باشد، بدین ترتیب که زمینه خلاقیت در نظام آموزشی کشور از چنان جایگاهی برخوردار باشد که این نظام بردانش گسترده مسنط و با محافل علمی جهان مرتبط باشد تا بتواند با استفاده از دانش و تجارب جهانی به‌نحوی خوداتکا برای ترویج خلاقیت در همه سطوح تحصیلی برنامه‌ریزی کند. هدف نهایی آموزش باید جایگزینی یادگیری و تفکر خلاق باشد به جای یادگیری سنتی که بر پایه محفوظات است و لازمه این امر نه تنها آموزش تکنیک‌ها باشد. آشنایی سازمان‌ها در تمامی حوزه‌ها با روند تغییرات جهانی و شناخت ماهیت تغییرات این عصر و لزوم تغییر جهان‌بینی از جهان‌بینی‌ای که بیش از ده‌هزار سال است بر اقتصاد و روابط انسانی حاکم بوده است به جهان‌بینی خلاق حاکم بر اقتصاد و فناوری و همچنین بر روابط و رفتارهای انسانی امروز، ضروری است.

از آن‌جا که تا حاکم شدن جهان‌بینی خلاق فاصله زمانی زیادی وجود دارد، در حوزه‌های ذکر شده باید شرایط لازم برای بروز خلاقیت افراد به وجود آید تا با بهره‌گیری از آن بتوان از نظر اقتصادی و فناوری کشور را برای رقابت در بازارهای جهانی آماده ساخت.

برای نیل به این هدف‌ها در جامعه، عزم ملی با مشخص کردن نوعی چشم‌انداز بدیع ولی واقع‌بینانه و کارشناسی شده ضروری است. در صورت وجود چنین عزمی، راه‌های نیل به این چشم‌انداز کاملاً شناخته شده است و صرفاً کافی است با بومی کردن تجارب جهانی در جهت نیل به آن‌ها حرکت کرد. بدیهی است به همان ترتیب که در خصوص اهمیت خلاقیت در توسعه

ذکر شد، در این مورد نیز نظام‌بخشی سازمان‌ها پیش‌نیاز اصلی توسعه خلاقیت است و تا هنگامی که سازمان‌ها انسجام و نظام‌مندی لازم را نیافته‌اند، هرگونه حرکت در جهت ترویج و توسعه خلاقیت بی‌اثر خواهد بود.

به هر حال، از آن‌جا که نمی‌توان و نباید تا نظام‌مندی لازم در سازمان‌های مربوط منتظر ماند و به اصطلاح دست روی دست گذاشت، در این‌جا پیشنهادهای زیر در خصوص آموزش و نیز صنعت، اقتصاد، دولت و... عرضه شود:

پذیرای خلاقیت کاری امری است بس عظیم و تقریباً در تمامی جوامع موانع خلاقیت، چنان‌که از ضرب‌المثل‌های ملل می‌توان نتیجه‌گیری کرد، وجود دارد. در کشور ما «خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو» یا «زبان سرخ سر سبز می‌دهد برباده» از جمله این ضرب‌المثل‌ها هستند. به ضرب‌المثل‌های آمریکایی در این مورد توجه کنید: «اگر نمی‌توانی آن‌ها را شکست دهی به آن‌ها ملحق شو!» یا «قایق را نجنبان» و نیز «موج ایجاد مکن».

موانع فردی

موانع فردی خلاقیت به اختصار عبارت است از:

موانع تاریخی

افلاطون معتقد بود تاریخ تکرار می‌شود یعنی بشر اختیاری از خود ندارد. همچنین اعتقاد به سرنوشت که ریشه در بسیاری از فرهنگ‌ها و دین‌ها دارد از دیگر موانع تاریخی به‌شمار می‌رود. در این دوران از تاریخ بشر نیز که به علت پیشرفت‌های حیرت‌انگیز علم و فناوری افراد عادی احساس می‌کنند کنترلی بر زندگی خود ندارند، در زمره موانع تاریخی است.

موانع زیستی (بیولوژیک)

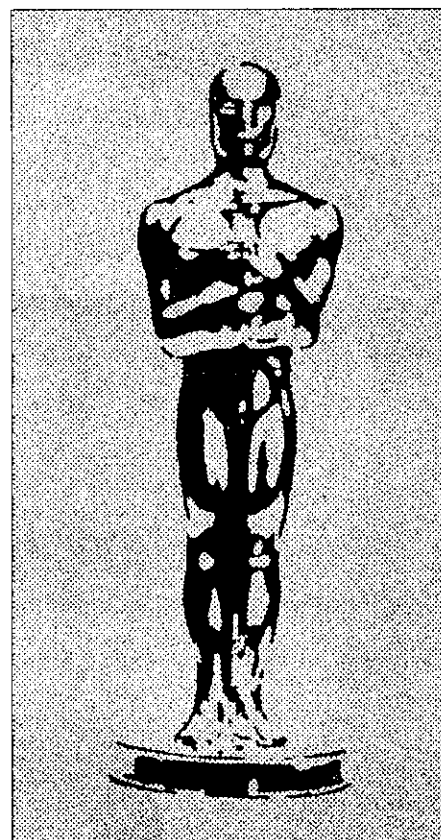
با وجود دستاوردهای خلاق بسیاری که در نتیجه استفاده از روش‌های خلاقیت و حل خلاق مسایل حاصل شده است، هنوز بسیاری - از جمله برخی از دانشمندان، براین باورند که خلاقیت موروثی است. ولی اگرچه ژن‌ها در خلاقیت نقش مؤثری دارند، لیکن اکنون به‌نحوی غیرقابل انکار ثابت شده است که خلاقیت را می‌توان به‌نحو بارزی تقویت کرد.

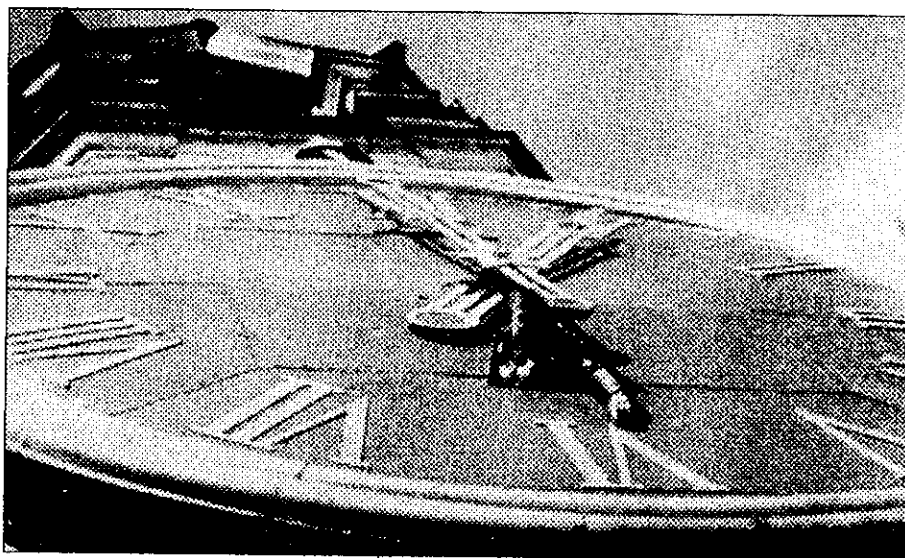
موانع فیزیولوژیک

بدیهی است آسیب‌مغزی - از طریق بیماری، تصادف و... - منجر به اختلال در تفکر، از جمله تفکر خلاق می‌شود. همچنین معلولیت‌های جسمی ممکن است بعضی از انواع خلاقیت را زایل کند. اگرچه، برای نمونه جان میلتون (شاعر انگلیسی) نابینا و بتهون ناشنوا بودند.

موانع روانی

به‌طور خلاصه موانع روانی عبارتند از: عادات، رفتار کسب‌شده یا شرطی شدن (Conditioning)، تلاش برای تأمین رضایت و انتظارهای (غالباً خیالی) دیگران، فرض وجود محدودیت‌ها یا محدودیت‌های تحمیل‌شده از سوی خودمان، نداشتن انعطاف یا ترس از شکست، یا ترس از خطرپذیری، دنباله‌روی، نگرانی از متفاوت بودن، ترس از تمسخر، قبول سلطه یا الگوهای رفتاری تعیین شده توسط دیگران، راحت‌طلبی، خرافات، پذیرش سرنوشت و موقعیت خود به شکلی که هست.





لازم الاجراست و تخطی از آن موجب مغضوب واقع شدن. این دیدگاه باعث می‌شود که کارکنان به اجرا بدون چون و چرای آنچه مورد نظر مدیریت است، انگیزه‌ای برای اعمال خلاقیت نداشته باشند.

باید در نظر داشت که فرایند خلاقیت مستلزم آزمایش است که طی آن راه‌های مختلفی باید آزمایش شود که البته نتایج همه آن‌ها موفقیت‌آمیز نخواهد بود و سرانجام از بین این آزمایش‌های متعدد فقط یکی یا تعداد معدودی موفقیت‌آمیز خواهد بود و حتی اگر این آزمایش‌ها موفقیت‌آمیز نباشد تجاری به دست خواهد آمد که دست کم به‌طور بالقوه بسیار با ارزش خواهد بود. چنان‌که در این مورد از ادیسون، هنگامی که در شرف اختراع گرامافون بود پرسیدند که چرا پس از ۲۵۰۰۰ آزمایش موفق نشده و شاید به علت کهنسالی خلاقیت او روبه زوال رفته است، پاسخ داد، «شما متوجه نیستید، من اکنون ۲۵۰۰۰ راه را که از طریق آن‌ها نمی‌توان گرامافون را اختراع کرد، کشف کرده‌ام.»

ضمناً باید در نظر داشت از آن‌جا که در فرایند آزمایشگری خلاقیت، شکست‌ها امری قطعی است و تا به دست آوردن نتایج موفقیت‌آمیز نباید و نمی‌توان نتیجه خلاقیت را در امور

برخی از این موانع بایکدیگر مرتبط‌اند و همین امر به شناسایی بهتر موانع کمک می‌کند که موانع خود را بهتر بشناسیم.

موانع اجتماعی

بدیهی است که محیط اجتماعی در خلاقیت افراد جامعه بسیار مؤثر است. به‌طور کلی جامعه به این دلیل سازمان‌یافته است که از افراد خود حمایت کند ولی تشکیلات سازمانی جامعه خود به موجودیتی تبدیل می‌شود که جنبه انسانی خود را از دست داده و در نتیجه افراد احساس بی‌اهمیتی و بی‌اختیاری می‌کنند.

انحراف از سنت‌ها و قواعد تدوین شده یا تلویحی و نانوشته، در جامعه یک کشور، یک اقلیت در یک کشور یا اتحادیه از هر نوع، ممکن است با تویخ و مجازات روبرو شود. از این‌رو بروز خلاقیت با اشکال مواجه می‌شود. در این صورت افراد یا هم‌رنگ جماعت می‌شوند یا برای آن‌که پذیرفته شوند از ابراز عقیده خودداری می‌کنند.

برخی موانع سازمانی

از مهم‌ترین موانع سازمانی، دیدگاه مدیریت سنتی است که براساس این دیدگاه که دستور از مافوق بدون چون و چرا

اصلی و جاافتاده یک مؤسسه اجرا و ادغام کرد. بلکه فقط پس از حصول اطمینان از موفقیت نتیجه می‌توان به ادغام آن در فعالیت اصلی مؤسسه مبادرت نمود. تصور کنید پزشک جراحی بخواهد در اتاق عمل ایده جدیدی را که صددرصد از موفقیت آن اطمینان حاصل نشده است آزمایش کند یا خلبانی هنگام پرواز چنین کند. بدیهی است که کار به قیمت جان عده‌ای تمام می‌شود. در موارد دیگر - برای مثال در یک کارخانه تولیدی اگر این کار خطر جانی نداشته باشد - که احتمال آن هم زیاد است - مسلماً زیان‌های بسیار و شاید جبران‌ناپذیری به همراه خواهد داشت بنابراین باید اذعان داشت که برای نمونه در یک سازمان تولیدی یا عرضه کننده یک خدمت، هر یک از کارکنان وظایف مشخصی دارند که در محدوده آن امکان بسیار کمی برای اعمال خلاقیت وجود دارد. در چنین شرایطی اجرای کارها بر طبق ضابطه‌ها و نظام‌های تعیین شده لازم است و نادیده گرفتن آن‌ها، و تلاش برای تدبیر و اجرای ضابطه‌ها و نظام‌هایی جدید در نظام تولید یا عرضه خدمت اختلال ایجاد خواهد کرد. آنچه لازم است ایجاد شرایط مناسب در سازمان برای تدبیر

ایده‌های جدید در خارج از فعالیت اصلی سازمان است. در آن صورت، یکی از عوامل مهم برای ایجاد شرایط مناسب برای بروز خلاقیت کارکنان در یک سازمان، تشویق کارکنان خلاق به تدبیر و سرانجام اجرای ایده یا ایده‌های بدست آمده، حتی در مواردی است که تلاش‌های آن‌ها برای اعمال خلاقیت با شکست روبه‌رو می‌شود. چه بسا سازمان‌ها افرادی که صرفاً به امور روزمره جاری اکتفا کرده هیچ‌گونه تلاشی برای انحراف از آن نمی‌کنند و برای این «وظیفه‌شناسی» پاداش‌های قابل توجهی دریافت کنند. درحالی‌که کارکنان مبتکر نه تنها تأیید نمی‌شوند بلکه اگر تلاش خلاق آن‌ها در اولین مراحل با عدم موفقیت مواجه شود، احتمال از دست دادن شغل‌شان بسیار زیاد خواهد بود.

بنابراین، سازمانی که از اهمیت خلاقیت آگاه است و قصد ترویج مؤثر آن را دارد، باید فرصت‌هایی برای کارکنان خود جهت تدبیر ایده‌های خلاق در کنار کارهای عادی فراهم کند و

● تدوین برنامه توسعه فناوری
همزمان با تدوین برنامه توسعه
اقتصادی - اجتماعی و اجرای هر دو
برنامه به طور موازی ضروری است.

با توجه به این‌که عدم موفقیت بخش جدایی‌ناپذیر کار خلاق است، تلاش صادقانه در جهت خلاقیت را حتی در صورت عدم موفقیت، تشویق نماید. بدیهی است که نظارت بر کارهای خلاق برای هدفمند کردن آن اجتناب‌ناپذیر است. نظارت می‌تواند به صورت تشکیل کمیته‌های خلاقیت، بخشی از امور پژوهش و توسعه، بخشی از نظام پیشنهادات سازمان یا شکل‌های متعدد دیگر باشد.

در این مختصر هدف، بحث جامع سازمان خلاق و به طریق اولی خلاقیت سازمانی نیست بلکه صرفاً اشاره به چند نکته است که می‌توان در طرز تفکر سنتی مدیریت تغییرات مختصری ایجاد و همچنین یادآوری برخی از موانع توسعه در کشور است. بدیهی است بحث جامع در مورد ایجاد شرایط مناسب برای بروز خلاقیت کارکنان برای یک سازمان موضوعی بسیار پیچیده و بسیار فراتر از این مختصر است. به هر حال، امید است این مختصر آغازی برای بحث تفصیلی مورد نیاز جامعه باشد.